



اصفہا فلسفے مکتبہ

نخستین ہمایش بین المللی

مجموعہ مقالات برگزیدہ

جلد دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتب فلسفی اصفهان اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه‌ی اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن‌رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد، مؤسس مکتب اصفهان میسور است؛ و این طریقی بود که پیشتر به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن‌ترکه اصفهانی، سید حیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احسایی و اعظم حوزه‌ی شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه عرضه‌ی آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن به تعبیر برخی از محققان معاصر **حکمت معنوی تشیع** است. این شیوه‌ی نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ی مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه‌ی فلسفی اصفهان، سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی کرد و حتی با توانی بیش از قبل، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر شفا‌ی شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد؛ متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد، و عرفان ابن‌عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان متأله این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی-عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همت گمارند.

گفتنی است اصطلاح **مکتب فلسفی اصفهان** به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه‌ی میرداماد و شاگردانش که به **حکمت یمانی** نیز شهرت یافت، **حکمت ایمانی** یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه** صدرایی و بالاخره **حکمت تنزیهی** مالرجبعلی تبریزی نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان متأله آن عصر طلایی در دوران صفویه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث کمی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌های از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه- چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است- جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه‌ی او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ای زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با اِشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باشکوه، توفیق یافت؟

در چند دهه‌ی گذشته استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی هانری کرین در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسید که بهانه‌ی گردهمایی بین‌المللی، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای اِیحای آثار این بزرگان فراهم آورد و برای نخستین‌بار به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان **همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان** و آغاز به کار دبیرخانه و کمیته-ی علمی همایش، نخست دست به کاربرسی مقالات رسیده شدیم. این مقالات در سه سطح استادان، دانشجویان و همکاری استاد و دانشجو ارائه گردید که تمامی آن‌ها توسط داوران محترم ارزیابی و پس از تایید نهایی جهت چاپ و انتشار در مجموعه مقالات همایش آماده شد. فهرست مجموعه مقالات همایش بر اساس حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شد و نمایه‌ای نیز بر پایه‌ی حروف الفبای موضوعات مقالات در آخر مجموعه افزوده شد. از آن‌جا که حجم مقالات رسیده گنجایش بیش از یک مجله را داشت و از سوی دیگر در سه سطح مذکور ارائه شده بود، تصمیم گرفته شد که مقالات در سه مجلد چاپ و منتشر گردد. گفتنی است که چون شماری از مقالات دریافت شده از نظر داوران محترم دارای درجه‌ی علمی-پژوهشی بود، مقرر گردید که مقالات مذکور در مجله‌ی علمی پژوهشی تایخ فلسفه وابسته به بنیاد اسلامی حکمت صدرا نیز جداگانه چاپ شود که بدین‌وسیله از مسئولان آن مجله‌ی وزین به ویژه سردبیر محترم آن تشکر و قدردانی می‌شود. افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره‌ی فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه‌ی همایش قرار گرفت.

آن دسته از آثاری که امیدواریم برای این همایش انتشار یابند، از این قرارند:

شرح التائیه الکبریٰ صائن الدین علی ابن التکره اصفهانی، الشوارق ابوالحسن قاتنی کاشانی، الافق المبین میرداماد، رساله الايقاظات فی خلق الاعمال میرداماد، خطفات القدس میر سید احمد علوی، الکلمة الطیبة فیاض لاهیجی، شرح فارسی تهذیب المنطق فیاض لاهیجی، بیان الاسرار (در شرح مصباح الشریعه) شیخ حسین زاهدی، مجموعه رسائل فارسی ملا اسماعیل خاتون آبادی، شرح العرشیه ملا اسماعیل واحد العین، ساقی نامه‌ی ابوطالب فندرسکی، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مکتب فلسفی شیراز، مکتب فلسفی اصفهان، فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی، جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان، دیدار با فیلسوفان سپاهان، مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان.

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه‌ی موسعی را می‌طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا حکیم خواجه‌ی اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضلالی گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه‌ی آغاز راه و طلیعه‌ی عرصه‌ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت‌های مسئولان فرهنگی کشور و کلیه‌ی علاقمندان به احیای حکمت اصیل شیعی، گام‌های بعدی و مؤثرتری را در خصوص احیای آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

گروه فلسفه‌ی دانشگاه اصفهان به عنوان برگزارکننده‌ی این همایش، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از کلیه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مسئولان اجرایی، اساتید و دانشجویانی که ما را در هر چه بهتر برگزار شدن همایش، امور اجرایی آن، چاپ و نشر آثار و سایر موارد یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماید.

۱- اعضای شورای سیاست‌گذاری:

آقایان آیت الله حاج سید محمد خامنه‌ای، حجه الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر محمد بیدهندی،

دکتر حسین کلباسی، دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد، دکتر مهدی جمالی نژاد، دکتر احمد علی فروغی، دکتر محمد فضیلتی، مهندس مصطفی بهبهانی، سردار کریم نصر اصفهانی، مهندس علی کلباسی.

۲- اعضای کمیته‌ی علمی (به ترتیب الفبا):

آقایان دکتر محمدعلی اژه‌ای، دکتر مهدی امامی جمعه، دکتر مرتضی حاج حسینی، دکتر مهدی دهباشی، دکتر علی ربانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر مجید صادقی، دکتر محسن محمدی فشارکی، دکتر محمد مشکات، دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، دکتر حامد ناجی اصفهانی، حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ مجید هادی زاده.

۳- ریاست محترم مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان جناب آقای مهندس بهبهانی که از حامیان اصلی برگزاری همایش بوده و چاپ سه جلد مجموعه مقالات همایش را نیز بر عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

۴- دانشگاه‌هایی که در شهر اصفهان حق‌التحقیق صاحبان آثار و منشوراتی که به چاپ خواهد رسید را به عهده گرفته‌اند:

الف) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ب) دانشگاه پیام نور استان اصفهان. بدین‌وسیله از رؤسای محترم، معاونین پژوهشی و سایر مسئولان این دو دانشگاه قدردانی و تشکر می‌نمایم.

۵- جناب آقای سعید محمدی دبیر کمیته‌ی اجرایی و نیز دبیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان.

۶- سرکار خانم فریده کوه‌رنگ بهشتی مسئول دبیرخانه‌ی همایش و نیز سایر دانشجویان گروه‌های فلسفه و الهیات (فلسفه و کلام اسلامی).

علی کرباسی زاده اصفهانی
دبیر علمی نخستین همایش
بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان

فهرست

- دکتر علی ارشد ریاحی / مهدی گنجور**
دستاوردها و برکات کلامی-دین‌شناختی نظریه "حرکت جوهری" در حکمت متعالیه ۱۱
- دکتر علی ارشد ریاحی / افسانه لاجینانی**
نقش عرفان و برهان در حکمت متعالیه ۳۳
- دکتر رضا افهمی / دکتر لطف‌الله نبوی / فرزانه فرشیدنیک**
تأکید بر نقش مخاطب به عنوان فاعل شناسا در معماری و شهرسازی مکتب اصفهان (مطالعه موردی: معماری اصفهان عصر صفوی) ۴۹
- دکتر حمید برقی / دکتر یوسف قنبری / مراد کیانی پور**
بررسی نقش مکتب فلسفی اصفهان در شکوفایی فرهنگ و هنر عصر صفویه ۷۱
- دکتر موسی پرنیان / شهرزاد بهمنی**
تعامل ادبیات و فلسفه در مکتب اصفهان عصر صفوی ۷۹
- دکتر مهدی دهباشی / اصغر فتحی عمادآبادی / محدثه آهی**
بررسی تطبیقی وحدت ذهن و عین در مساله ی شناخت نزد صدرا و هگل ۱۰۱
- دکتر علی ربانی / دکتر ثریا معمار / علی اکبر جعفری / معصومه حیدری**
بررسی جامعه‌شناختی سازماندهی علم در اصفهان دوره صفویه و نقش آن در توسعه تشیع ۱۲۳
- دکتر فروغ السادات رحیم‌پور / فرزانه شهبازی**
بررسی و تطبیق آراء صدوق، مفید و مجلسی در مسئله «سهوالنبی» ۱۴۷
- دکتر محمد تقی سبحانی / محمد جعفر رضایی**
مدرسه کلامی اصفهان ۱۶۷
- دکتر جعفر شانظری / مجید یاریان**
واکاوی دیدگاه‌های کلامی جدید در باب سرشت وحی نبوی، با تکیه بر مبانی حکمت متعالیه ۱۹۵
- دکتر مجید صادقی حسن آبادی / حمیدرضا عبدلی مهرجردی / مجید یاریان کوپائی**
در آمدی بر رویکرد فلسفی ملاصدرا به تفسیر قرآن ۲۲۳
- دکتر جهانگیر صفری / نگین محمدی نافچی**
نگاهی به جایگاه فیاض لاهیجی در شعر مکتب اصفهان ۲۴۵
- دکتر علی کرباسی‌زاده اصفهانی / فریده کوهرنگ بهشتی / سنا جوانمردی**
ملازجبعلی در مقابل ملاصدرا در بحث وجود ذهنی ۲۶۵
- دکتر محسن محمدی فشارکی / طاهره صالحیان**
محقق سبزواری و جایگاه حاکم در اخلاق سیاسی ۲۹۱

مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان ۱۰

دکتر محسن محمدی فشارکی / فاطمه قیومیان محمدی

نگاهی دوباره به گریه و موش شیخ بهایی ۳۱۱

دکتر بهار مختاریان / کیوان حق نظری

آیکونوگرافی جلودار در نگاره ای از چهلستون ۳۳۱

دکتر محمد مشکات / مجید یاریان

جستجوی مبانی نظری «امکان فقری» ملاصدرا در اندیشه‌ی محقق دوانی ۳۵۱

دکتر محمد مهدی مشکاتی / مهدی منصوری

واکاوی و نقد مبانی الهیات سلبی با تأکید بر آراء ملاصدرا ۳۷۵

دکتر سید محسن میرباقری / سمیرا گلی

رابطه عقل و دین از دیدگاه ملاصدرا ۴۱۳

دکتر محمد رضا یوسفی / لیلا امیری

بینامتنیت در غزلیات حاج ملاهادی سبزواری و حافظ ۴۳۳

نمایه عنوان مقالات ۴۵۲

بررسی نقش مکتب فلسفی اصفهان در شکوفایی فرهنگ و هنر عصر صفویه

حمید برقی^۱ / یوسف قنبری^۲ / مراد کیانی پور^۳

چکیده

دوران صفویه نقطه‌ی عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌رود و از آن می‌توان به عنوان شروع مرحله جدیدی در تاریخ ایران یاد کرد. پس از آن که صفویان قدرت را به دست گرفتند مذهب رسمی ایران را به شیعه تغییر دادند همچنین بین تصوف و تشیع و سیاست پیوند برقرار کردند و مکتب فلسفی اصفهان که مکتب اسلامی محسوب می‌گردد در دوره صفویه توسط حکمایی همچون ملاصدرا و... شکل گرفت و این دوره را عهد هنر طلایی ایران قلمداد می‌کنند. لذا این پژوهش به بررسی آثار هنری دوره صفوی و تاثیر آن از مکتب فلسفی اصفهان می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات اسنادی-کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حاکمیت صفویان ارتباط هنر و قوانین دینی را به خوبی پایه‌گذاری نموده و استحکام جنبه‌های مذهبی و فرهنگی موجب تقویت و تحکیم سنت هنری تحت تاثیر مکتب فلسفی اصفهان شده است.

کلید واژه‌ها: دوره صفویه، مکتب فلسفی اصفهان، آثار هنری، تشیع

۱- استادیار گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان

۲- استادیار گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه اصفهان

مقدمه

فرهنگ و هنر که‌نسال و دیرپای ایرانی - اسلامی از قدیمی‌ترین ازمنه تاریخ همواره در میان سایر فرهنگ‌ها درخشیده است و نقش آن در بنای فرهنگ بشری بسیار قابل توجه بوده است. کمتر تمدنی را می‌توان یافت که از پیشینه‌ای این چنین گسترده و غنی برخوردار باشد. همین اعتبار می‌تواند در عصری که هر ملتی در پی جستجو و ساختن پیشینه و یا سرقت خویش از سایر فرهنگ‌ها برای خود است ما را برآن دارد که با سربلندی و قدرت از فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی سخن گفته به حراست همه جانبه و شایسته از آن بپردازیم.

دوره صفوی یکی از ادوار مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ ایران محسوب می‌شود و بسیاری از نوآوری‌های فرهنگ و تمدن ایران در دوره مذکور پدیدار گشت و دستاوردهای ارزشمندی را نیز به تاریخ بشری عرضه کرد. شهر اصفهان نیز در این دوره یکی از مراکز توانمند در عرصه‌های گوناگون هنر اسلامی گردید که متاثر از مکتب فلسفی اصفهان می‌باشد.

جایگاه و موقعیت مکتب فلسفی اصفهان و نقش آن در شکل‌گیری تمدن اسلامی

در اصفهان از همان ابتدا که به عنوان پایتخت حکومت صفوی انتخاب شد و علما و متفکران به اصفهان مهاجرت کردند، حوزه‌های متنوعی در عرصه علوم عقلی تشکیل گردید که سه حوزه متفاوت با محوریت سه شخصیت بزرگ علمی، در اصفهان دایره گردید که عبارت بودند از شیخ بهایی، میرداماد و میرفندرسکی. دو حوزه اخیر هر یک مبدا جویان فکری - فلسفی خاصی شدند که تدریجاً اختلافات بینشی و نگرشی بین آن دو افزایش یافت و سرانجام دو مکتب فلسفی را پدید آورد. جریان فلسفی میرداماد به سرعت گسترش پیدا کرد و ز اصفهان و حتی ایران فراتر رفت و تأثیر اجتماعی، فرهنگی و فلسفی آن بسیار بیشتر از جریانی بود که با میرفندرسکی آغاز شد. این دو جریان فلسفی، در نقطه آغازین خود بصورت دو مکتب فلسفی ظاهر نشدند و هریک فراز و تشبیهایی را طی کردند و مبادی فکری - فلسفی هر یک بتدریج، قوام پیدا کرد و آنگاه بصورت دو طرز تفکر متمایز از هم ظاهر گردید. دوره فلسفی اصفهان، با توجه به شاخص‌های اصیل خود، سرفصلی در تاریخ فلسفه اسلامی و بکلی متمایز از دوره‌های قبل از خود، از جمله دوره شیراز بود (امامی جمعه، سیدمهدی، ۱۳۸۳).

تالیفی بودن، خلاقیت و عدم التقاط، رویارویی با فقیهان ظاهر گرا و صوفیان باطن گرا، از جمله اوصاف اساسی مکتب اصفهان به شمار می‌رود. جامعیت حکمای حوزه اصفهان در علوم مختلف عقلی و نقلی، موجب اشتهار آن مکتب فقهی - فلسفی اصفهان شد. نشاط فکری، گفت و گوهای علمی و رونق به سزای حوزه های درسی اصفهان عصر صفویه، از مهمترین نقاط امتیاز این حوزه از سایر حوزه های علمی شیعه از آن بود. حاصل فعالیت های این دوره تاثیر اساسی بر حیات فرهنگی و نمذنی ایران گذاشت و شرایط لازم را برای شکوفایی علم و هنر در این دوره فراهم آورد. (کرباسی زاده، ۸۹، ۳۶-۴۲)

فرهنگ و هنر عصر صفوی

شاه اسماعیل صفوی را بدون شک می‌توان موسس و بنیان گذار سلسله یی دانست که نزدیک به دوپست و چهل سال بر سرزمین وسیع ایران و قلمرو آن حکومت و سلطنت کرده اند. این پادشاه جوان و کاردان توانست در سایه درایت و کوششهای مستمر و پیگیر خویش و با خنثی کردن حوادث مختلف نظیر حمله محمدشاهی مشهور به شیبک خان، پادشاه ازبک ها و موسس سلسله ازبکان در شرق والوندییک ترکمان و تاخت و تاز وحشیانه دولت عثمانی در غرب و حمله مرادبیک آق قویونلو و سایر حوادث و بلایا استقلال سرزمین وسیع مارا شدیداً به مخاطره انداخته بودند. قدمهایی که شاه اسماعیل در طریق تحکیم مبانی ملی و میهنی به عما آوردند کانون در هم ریخته شعرا و نویسندگان و خوشنویسان و نقاشان و مذهبانی که در دربار تیموری گرد آمده بودند سر و سامانی داد و به همت و رادمردی این پادشاه جوان و علاقمند صفویان بر کشور بران استیلا یافتند و سلطنت ملی ایران در قرن دهم هجری قمری بار دیگر احیاء گردید و موجبات استقلال حکومت و وسیله تحول فرهنگی این سرزمین فراهم آمد (تیموری، ۱۳۷۲)

سلسله صفوی در تاریخ کشور ما از جهات مختلف دارای اهمیت فراوان می باشد که مهمتر از همه حفظ استقلال ایران و ایجاد وحدت ملی در بین ایرانیان و رسمی شدن مذهب مقدس شیعه جعفری و ترقی هنر و رشته های مختلف صنعت و هنرهای ظریفه می باشد. در این دوره ادبیات ایران و آثار نویسندگان به علت رواج مذهب تشیع و سختگیری سلاطین صفوی نسبت به گذشته (جز ادبیات مذهبی و اشعار دینی) کودی حاصل کرد ولی از جهات دیگر که بدان اشاره خواهد شد پیشرفت هایی احساسی شد. آثار منظوم این عصر بیشتر مذهبی و بر پایه دین و دیانت استوار گردید. شاعران به جای پرداختن به اشعار و قصاید مدحی

و توصیف زیباییهای طبیعی و دلاوری‌ها و شجاعت‌ها و تالیف پندهای اخلاقی و انسانی بیشتر به توصیف و ستایش پیشوایان مذهبی و ائمه اطهار(ع) و به ویژه پیامبر اکرم(ص) توجه نمودند.

در این عصر بیشتر آثاری که بوجود آمد در زمینه‌های مختلف دین، اخبار و آثار شیعه بوده است و کتب دینی در موضوعات مختلف و متنوع فقهی، اخبار و حدیث و اصول به فارسی نوشته شد و آثاری چون جامع عباسی بوسیله بهاء الدین عاملی و عین الحیاء و مشکوٰۃ الانوار و حلیه المتقین و معراج المومنی و حق الیقین و غیره توسط علامه بزرگوار محمداقبر مجلسی و آثار دیگری بوسیله نصیرالدین استرآبادی و حیدر خوانساری و عبدالرزاق لاهیجی در حکمت نوشته شد(صفت گل، ۱۳۸۱). در این دوره با وجود توجه کامل و وسیع به سیاست مذهبی، سلاطین صفوی به علما و فضلا و شعرا و مورخین عنایت داشتند. در این دوره شعرایی نظیر هاتفی، باباغانی، امیری تهرانی، اهلی ترشیزی، اهلی شیرازی، هلالی جفتایی، وحشی بافقی، محتشم کاشانی، نظیری نیشابوری، عرفی شیرازی، کلیم کاشانی و مخصوصا صائب تبریزی بوجود آورنده سبک هندی(اصفهانی) می‌زیسته‌اند.

این دوره نه تنها از لحاظ گسترش و انتشار فرهنگ و زبان فارسی در داخل ایران موثر بوده بلکه در کشورهای دیگری مانند هندوستان و آسیای صغیر و در قلمرو دولت عثمانی نفوذ فراوانی داشته است.

در این عصر صنایع و هنرهای دستی و ظریفه به اوج ترقی خود رسید زیرا پادشاهان این سلسله همواره مشوق و حامی هنرمندان و صاحبان صنایع و حرف بودند. امنیت و آرامش عمومی این دوره و با برخورداری از وجود هنرمندان بزرگ در رشته‌های مختلف هنری موجب گردید آثار تاریخی ارزشمند ساخته شود بخصوص در زمان سلطنت شاه عباس بزرگ، ابنیه و اماکن مختلف ساخته شد(هنرفر، ۱۳۵۴).

در عصر درخشان حکومت شاهان صفوی رشته‌های مختلف صنایع ظریفه و کارهای دستی و هنری تکامل و توسعه یافت، زیرا سلاطین این خاندان همواره در گسترش هنر و صنعت و تشویق و ترغیب هنرمندان و صنعتگران از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند در این صنعت کاشی‌کاری، قالی‌بافی، معماری، تذهیب، نقاشی، خطاطی و خوشنویسی رونق و پیشرفت خاصی یافت زیرا وجود مساجد و اماکن متبرکه و مذهبی و آثار تاریخی با ارزش و به نامی که از این دوره به یادگار مانده است روح حق پرستی و ایمان و شدت علاقه مذهبی و هنر پروری و هنر دوستی پادشاهان این دودمان را نشان می‌دهد که می‌توان عمده‌چنین

آثار تاریخی را به مناسبت مرکز حکمرانی حکمرانان این خاندان در اصفهان از نزدیک مشاهده کرد. (پوپ، ۱۳۷۴)

و همین آثار جالب تاریخی است که همواره مورد توجه جهانگردان و سیاحان اروپایی و امریکایی بوده و می‌باشد و به خصوص اهمیت ای آثار را در میان سفرنامه‌های خود به عنوان شاهکارهای بزرگ تاریخی ایران و جهان خاطر نشان ساخته اند.

در عصر صفوی نه تنها نقاشان و هنرمندان و مذهبین بزرگ و معروف و وراقان و صحافان در عرصه هنر می‌درخشیدند بلکه استادکاران و هنرمندانی نظیر محمدیوسف الحسنی، شفیعا، آقامحمد مصور و نقاشانی نظیر شیخ زاده، مولانا عبدالله استرآبادی، مولانا مظفر علی، آقامیرک، شاه محمد، خواجه عبدالعزیز، علی اصغر کاشی، مولانا عبدالله شیرازی، شیخ محمد شبرواری همواره در کارهای هنری خود مورد توجه بی‌دریغ شاهان صفوی بودند. (فلسفی، ۱۳۵۰)

از جمله هنرهای ظریفه این عصر که در این دوره به اوج ترقی و پیشرفت و تعالی و زیبایی خاص خود رسید هنرهای خوشنویسی و خطاطی است که خوشبختانه با ظهور چهره‌های درخشان و باارزشی، این هنرنظیر هنرهای ظریفه دستی دیگر، راه پیشرفت خود را سریعاً گشود و خطوط مختلفی با ارقام مختلف از این عصر توسط خطاطان بزرگ به یادگار مانده است. پیدایش خطوط مختلف اسلامی و انشعاب آن از خط کوفی (نسخ ابتدایی) موجباتی فراهم آورد تا برای حفظ و حراست آثار و تذهیب و زینت آنها از خطوط و اقلام مختلف استفاده شود چنانکه می‌دانیم پس از ابن مقله و ابن بواب و شاگردان و پیروان آنان خطوط دیگری در عرضه هنر خطاطی و خوشنویسی ظاهر شد که می‌توان از جمله رقع-ثلث محقق، توقیع، عهد، سجلات و ریحان و غیره را نام برد که هر یک از این خطوط برای بیان مقاصد و نمایاندن هدف‌های خاص بین پادشاهان و سران کشورها و یا به منظور امور هنری داخل کشور به کار می‌رفت که منجمله خط کوفی برای تزئین و تذهیب اماکن متبرکه و نوشتن کتیبه‌ها و سر ستون‌های مساجد و مقابر مورد استفاده بود که درخشان‌ترین مظاهر آن را می‌توان علی‌الخصوص در عصر صفویه ملاحظه کرد. (همايون، فرخ، ۱۳۸۴)

نیمه اول دوران پادشاهی شاهان صفوی در ایران از ادوار برجسته هنرهای زیبا و ظریفه از جمله خوشنویسی بوده است زیرا در این مدت علاوه بر این که در خطوط سابق‌الذکر استادان مجرب و هنرمندانی مانند علاء‌الدین تبریزی و عبدالباقی تبریزی و میرزا احمد نیریزی (خطاط عصر سلطان حسین صفوی) و معروف‌ترین آن‌ها علی رضا عباسی پیدا شدند

و آثار گرانبهایی مانند کتابت کتیبه‌ها، اماکن و مساجد در قزوین، مشهد، تبریز و اصفهان از خود به یادگار گذاشتند به طور کلی قلم نستعلیق این اثر هنری قلم هنرمندان ایرانی در این دوره رو به تکامل و توسعه نهاد و یکی از چهره‌های درخشان این عصر و معاصر میرعماد قزوینی و علی رضا عباسی است که خوشبختانه آثار فراوانی از او در دست است (فراست، ۱۳۸۶)

نتیجه‌گیری

صفویان وارث غنی فکری و فرهنگی گذشته ایران بودند. وجود امنیت و ثبات سیاسی، بهبود اوضاع اقتصادی به ویژه در عصر شاه عباس اول و نیز حمایت‌مادی و معنوی شاهان و حاکمان از علما، دانشمندان و هنرمندان، زمینه و شرایط لازم را برای شکوفایی علم و هنر در آن دوره فراهم آورد.

مذهب تشیع نیز در عصر صفوی، تاثیر اساسی بر حیات فرهنگی و تمدنی ایران گذاشت. بر اثر حمایت و تشویق حکومت صفوی، مجتهدان شیعه از جیل عامل لبنان و عراق به ایران مهاجرت کردند. در نتیجه کوشش عالمان دین، مدارس و مراکز علمی متعددی در ایران به وجود آمد و آموزه‌ها و معارف مکتب تشیع، تبیلغ و ترویج شد. همچنین در آن دوره، کتاب‌های ارزشمندی به رشته تحریر درآمد. شیخ بهایی کتاب «جامع عباسی» و علامه مجلسی مجموعه عظیم «بحار الانوار» را تالیف و تدوین کردند. حکمت و فلسفه نیز سیر تعالی پیمود. میرداماد، فلسفه ابن سینا را در قالب تازه‌ای احیا کرد و ملاصدرا ایشیرازی نیز فلسفه و حکمت را رونق بخشید.

شعر و ادب فارسی نیز در ایران و فراتر از آن در هندوستان و عثمانی شکوفا شد. همچنین در این دوره، کتاب‌های تاریخی فراوانی با تاثیرپذیری از تاریخ نویسی عهد تیموری نوشته شد.

در عصر صفوی، هنر ایرانی نیز رونق و شکوفایی یافت. معماری از جلوه‌های اصلی هنر آن دوره بود. ساخت کاخ‌ها، پل‌ها، کاروانسراها، مدارس، مساجد، مقبره‌ها، کلیساها و باغ‌ها نه تنها به عمران و آبادانی کشور کمک کرد، بلکه سبک و شیوه جدیدی در هنر معماری پدید آورد. اوج شکوفایی معماری صفوی در اصفهان، پایتخت صفویان متجلی شد و خاطره و شکوه شهرهای چون تخت جمشید، تیسفون و سمرقند را زنده کرد. هنر نقاشی نیز مورد حمایت جدی دربار صفوی بود.

در آن دوره، هنرمندان برجسته ای نظیر کمال الدین بهزاد، رضاعباسی و میرعماد پرورش یافتند و آثار ارزنده ای در رشته های مختلف خلق کردند. هنرهای کتاب سازی، جلدسازی، تذهیب، خطاطی، خوشنویسی، فلزکاری، فرش بافی نیز از دیگر هنرهایی بودند که در عصر صفوی رونق بسزایی داشتند.

بنابراین حاکمیت صفویان ارتباط بین هنر و قوانین دینی را به خوبی پایه ریزی نموده به گونه‌ای که استحکام جنبه های مذهبی و فرهنگی موجب تقویت و تحکیم صنعت هنری تحت تأثیر مکتب فلسفی اصفهان شده است.

فهرست منابع

- ۱- امامی جمعه، سیدمهدی. (۱۳۸۳) بررسی تحلیلی دوره فلسفی آن، مجله خردنامه صدرا، شماره ۳۷
- ۲- پوپ (۱۳۴۷). شاهکارهای هنر ایران. ترجمه استاد خانلری. انتشارات دیلمان. تهران.
- ۳- سیوری، راجرز (۱۳۷۲). ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. نشر مرکز. تهران.
- ۴- صفت گل، منصور. (۱۳۸۱). ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی. نشر موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۵- فراست، مریم. (۱۳۸۶) بررسی مضامین و خط نگاره های شمعدانها و قندیل های دوره صفوی. موزه ملی. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی.
- ۶- فلسفی، نصرالله. (۱۳۷۴). زندگی شاه عباس صفوی. انتشارات خوارزمی. تهران.
- ۷- تاریخ فلسفه، ش دوم، سال ۸۹، بنیاد اسلامی حکمت صدرا، ص ۴۲-۳۶
- ۸- همایون فرخ، رکن الدین. (۱۳۸۴). سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان. انتشارات اساطیر.
- ۹- هنر فر، لطف الله. (۱۳۵۴) گنجینه آثار تاریخی اصفهان. انتشارات امیرکبیر. تهران.